

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۲

بررسی تکرار نحوی در غزل سعدی

(ص ۲۶۴ - ۲۴۹)

نجمه نظری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۲/۱۴

چکیده:

سعدی را استاد سخن سهل و ممتنع در ادبیات فارسی لقب داده‌اند. راز سهل و ممتنع بودن کلام سعدی را تا حد زیادی میتوان در فرم شعر او جستجو کرد. از مشخصه‌های بارز سبکی در غزل سعدی، تکرار نحوی است که از سویی با دستور زبان و از سوی دیگر با بلاغت، ارتباط مستقیم دارد. تکرار نحوی در غزل سعدی غالباً بصورت موازنه، مماثله و ازدواج دیده میشود. از لحاظ زبانی بارزترین ویژگی این ابیات، تکرار کلمه خصوصاً ضمیر، حرف اضافه، حرف ربط و صفت پیشین است. با توجه به عاشقانه بودن غزل سعدی، محتوای غالب در این ابیات، توصیف معشوق، عاشق و رابطه عاشق و معشوق است.

در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا ابیات دارای تکرار نحوی در غزل سعدی از لحاظ سبک‌شناسی در سه حوزه بلاغت، زبان و محتوا بررسی شوند.

کلمات کلیدی:

سعدی، غزل، تکرار نحوی، موازنه، مماثله، ازدواج.

درآمد:

مصلح‌بن‌عبدالله سعدی شیرازی - که بحق استاد سخن و افصح‌المتکلمین لقب گرفته است - هم در حوزه نظم و هم در حوزه نثر، از ارکان عمده ادبیات فارسی به شمار می‌رود. رسیدن به کلام سهل و ممتنع، علاوه بر تسلط بر زبان و قابلیت‌ها و ظرایف آن، میتواند ریشه در برخی ویژگیهای شخصیتی و نوع بینش شاعر نیز داشته باشد که در این صورت، مسلماً میزان موفقیت صاحب اثر بیشتر خواهد بود.

مهمترین این ویژگیها رعایت اعتدال و تعادل است؛ «تعادل در کل و اجزای شعر، در تک تک عناصر آن از عوامل محتوایی گرفته تا تعادل کامل میان دو عنصر بنیادین عاطفه و تخیل و میان تمامی اینها با کلیه عناصر شکلی همچون امور بیانی، صنایع لفظی و معنوی، وزن یا آهنگ، قافیه، زبان و ... بگونه‌ای که نتوان مرز یا حیطة دقیق عملکرد و تأثیر هر کدام را در چنین شعری بتفکیک تعیین کرد یا به تعبیر دیگر هر یک از آنها نتواند خود را بوضوح به رخ بکشد.» (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۲۹۵). با توجه به این نکته، طبیعی است که در آثار سعدی به عنوان شخصیتی که در ادبیات فارسی به اعتدال شهره است، باید اوج کلام سهل و ممتنع را دید.

سعدی نیز مانند سخن‌سرای طوس - فردوسی - در زمانه‌ای که زبان فارسی از سوی زبان‌های بیگانه خصوصاً عربی تهدید میشد، با نظم و نثر فصیح و شیوای خود، حیاتی دوباره به آن بخشید. در حقیقت «اگر فردوسی زبان فارسی را زنده و پویانده و برومند نگاه داشته است، سعدی به آن چالاک‌ی و موزونی و جلوه و تاب بخشیده است و هم اوست که بر زبان شعر غنایی فارسی چنان اثر نهاده و مهر رواج و قبول زده که هیچ شاعر غزلسرای پس از او از تأثیر مظاهر مختلف سبک و سخن وی برکنار نمانده است.» (یوسفی، ۱۳۷۱: ۲۵۷).

اگرچه درک اسرار زیبایی و لطافت شعر سعدی همچون سخن او سهل و ممتنع است، با این حال بررسی سبک غزل این شاعر میتواند ما را با گوشه‌ای از رموز موفقیت او در عرصه سخنوری آشنا کند. از مشخصه‌های بارز سبکی در غزل سعدی، استفاده هنرمندانه از تکرار نحوی در سطحی گسترده است. پیش از بررسی این صنعت، لازم است توضیح مختصری درباره آن، ارائه شود.

تکرار نحوی

تکرار در بدیع فارسی انواع مختلف و متنوعی دارد و میتواند گفت اساس بسیاری از آرایه‌های لفظی بر تکرار است. این تکرار اگر در سطح واج باشد، صنایعی چون واج‌آرایی، صدا معنایی و انواع جناس را پدید می‌آورد و اگر در سطح کلمه باشد، در قالب آرایه‌هایی

چون تکرار کلمه و تکریر دیده میشود. گاه نیز این تکرار در سطح جمله صورت میپذیرد که صناعی چون موازنه، ترصیع و ردالمطلع را پدید می‌آورد. در این میان، تکرار نحوی را باید از آرایه‌های دسته سوم به شمار آورد.

تکرار نحوی اگرچه به موازنه و مماثله بسیار نزدیک است، اما تعریفی مستقل برای خود دارد. علیرغم کاربرد گسترده این آرایه در ادبیات فارسی، در کتب بلاغت از جمله آثار جلال‌الدین همایی، جلال‌الدین کزازی و سیروس شمیسا اشاره‌ای به آن نشده است. ظاهراً تنها اثری که در آن به این آرایه بصورت مستقل پرداخته شده، «بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی» است. در این کتاب میخوانیم: «تکرار الگوی نحوی، ترفندی است که علمای بدیع ما به آن توجه نداشته‌اند و حال آن که برجسته و زیباست ... در تکرار الگوی نحوی چون ویژگیهای نحوی بخش یا مصرع دوم، اولی را تداعی میکند، ذهن از این دریافت لذت میبرد. تکرار نحوی، قرینه‌سازی نحوی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست. علاوه بر این، تکرار با تأکیدی همراه است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۷-۵۶)

در شعر فارسی و در نثر فنی و مصنوع که به شعر تشبه میکند، کاربرد این آرایه را بسیار میتوان دید:

همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
(مولانا، دفتر اول: ب ۱۲)

این جا به خاک خفته هزار آرزوی پاک
این جا به باد رفته هزار آتش جوان. (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۶۷)
بخشاینده‌ای که تار عنکبوت را سد عصمت دوستان کرد، جباری که نیش پشه را تیغ
قهر دشمنان گردانید. (کلیله و دمنه: ۲)

با این حال، بیشترین کاربرد تکرار نحوی در آثار سعدی - چه نظم و چه نثر - دیده می‌شود، تا آنجا که میتوان این ویژگی را جزء مشخصه‌های سبکی این شاعر بشمار آورد. بزرگی به ناموس و گفتار نیست بلندی به دعوی و پندار نیست
(بوستان بیت: ۲۹۸)

بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم. گلستان (باب دوم)
در ادامه به بررسی تکرار نحوی در غزل سعدی خواهیم پرداخت.

تکرار نحوی در غزل سعدی

تسلط سعدی بر زبان فارسی و قابلیت‌ها و ظرایف آن، موجب شده کاربرد آرایه‌های لفظی در غزل او جلوه و درخشش خاصی پیدا کند، تا آنجا که از رموز سهل و ممتنع بودن سخن او به شمار رود.

در میان آرایه‌های لفظی، تکرار نحوی جایگاه خاصی در سبک غزل سعدی و ایجاد موسیقی کلام دارد. این آرایه را از لحاظ سبک‌شناسی در سه حوزه بلاغت، زبان و محتوا میتوان بررسی کرد.

الف) بلاغت

تکرار نحوی از آنجا که بر اساس تقابل کلمات در دو مصرع است، با آرایه‌هایی چون ترصیع، موازنه، مماثله، مقابله و ازدواج ارتباط نزدیک دارد.

در غزل سعدی، تعداد ابیاتی که دارای الگوی کامل تکرار نحویند، حدوداً یکصد و بیست بیت است.^۲ این ابیات به ترتیب در قالب مماثله، موازنه، ازدواج، مقابله و طرد و عکس دیده میشوند. همچنین حدود هشت بیت از این یکصد و بیست بیت، در قالب هیچیک از آرایه‌های یاد شده نمیگنجد.

۱- مماثله

مماثله آنست که اسجاع متوازن در دو مصرع یک بیت، مقابل یکدیگر قرار گیرند. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۰) نمونه‌های تکرار نحوی در غزل سعدی، از لحاظ بلاغی بیش از همه در قالب مماثله (۶۲ مورد) دیده میشود. از آنجا که در مماثله نسبت به موازنه، محدودیت و تکلف کمتری وجود دارد، شور و احساس و عاطفه نیز در این ابیات بیشتر دیده میشود. همچنین در مماثله، شاعر مجال بیشتری برای استفاده از صنایع دیگر و فنون بیانی دارد:

ماه نتابد به روز، چیست که در خانه تافت؟ سرو نروید به بام، کیست که بر بام رفت؟
تشبیه تفضیل، تجاهل‌العارف (غزل، ۱۴۱)

ای چشم خرد حیران در منظر مطبوعت وی دست نظر کوتاه از دامن ادراکت
جان‌بخشی، اشتقاق (منظر، نظر)، تناسب (چشم، نظر، منظر)، استعاره مکینه (غزل، ۱۴۱)

۲ - در مقاله حاضر برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر، تنها نمونه‌هایی که الگوی کاملی از تکرار نحوی هستند، بررسی شده‌اند و اگر در بیتی تفاوت دو مصرع در یک کلمه هم بوده، جزء نمونه‌های مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بعنوان نمونه بیت زیبای زیر، الگوی کاملی بشمار نمی‌آید، زیرا که ضمیر متصل «م» تنها در پایان مصرع دوم آمده و در مصرع اول دیده نمیشود:
مجنون رخ لیلی چون قیس بنی عامر فرهاد لب شیرین چون خسرو پرویزم (غزل ۴۰۱)
مسلماً اگر ابیاتی از این دست نیز به نمونه‌های مورد بررسی افزوده شود، تعداد آنها بسیار بیشتر از ۱۲۰ بیت خواهد بود.

دل که بیابان گرفت، چشم ندارد به راه سر که صراحی کشید، گوش ندارد به پند
 جان بخشی، تناسب (چشم، گوش)، استعاره مکینه (غزل، ۲۱۶)
 باغ فردوس است، گلبرگش نخوانم یا بهار جان شیرین است، خورشیدش نگویم یا قمر
 تشبیه تفضیل، تناسب (باغ، گلبرگ، بهار/ خورشید، قمر)، تشبیه (غزل ۲۹۳)
 نه دست صبر که در آستین عقل برم نه پای عقل که در دامن قرار کشم
 جان بخشی، استعاره مکینه، تناسب (دست، آستین/ پای، دامن) (غزل ۴۰۴)
 ای مهر تو در دلها، وی مهر تو بر لبها وی شور تو در سرها، وی سر تو در جانها
 جناس ناقص (مهر، مهر/ سر، سر) (غزل ۲۴)
 همچنانکه دیده میشود، در این ابیات تکرار نحوی و مماثله همراه با آرایه‌های دیگر و
 انواع صور خیال بصورتی هنرمندانه و بدور از تکلف آورده شده است.

۲- موازنه

آثار سعدی از لحاظ سبکی به دلیل سادگی و روانی، یادآور سبک خراسانی است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۱۶) و برخی ویژگیهای زبانی سبک خراسانی مانند کاربرد اندر، یاء استمرار و یاء شرط در آثار او نیز دیده میشود. موازنه نیز از آرایه‌هایی است که پیش از سعدی در سبک خراسانی و خصوصاً در شعر مسعود سعد سلمان جایگاه خاصی دارد. (شمیسا، ۱۳۸۳: ب ۲۰)

در تعریف موازنه گفته‌اند آن است که واژه‌ها در دو مصرع یک بیت، دو به دو، هم‌وزن باشند. (کزازی، ۱۳۸۱: ۴۳) در کتاب «نگاهی تازه به بدیع» آمده تنها در صورتی که واژه های دو مصرع ترکیبی از اسجاع متوازی و متوازن باشند، بیت دارای موازنه است و اگر واژه-ها تنها اسجاع متوازن باشند، بیت دارای مماثله است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ب ۲۰) با توجه به این تعریف، برای تقسیم‌بندی دقیق‌تر، ابیات دارای موازنه و مماثله را جدا از یکدیگر بررسی کرده‌ایم.

از یکصد و بیست نمونه تکرار نحوی در غزل سعدی، بیست و نه بیت دارای موازنه است که از لحاظ تعداد، بعد از مماثله قرار میگیرد. از ویژگیهای موازنه، تکرار کلمه است که در این ابیات نیز دیده میشود:

از روی تو سر نمیتوان تافت وز روی تو در نمیتوان بست (غزل ۴۱)
 دیدار دلفروزش درپایم ارغوان ریخت گفتار جانفزایش در گوشم ارغنون زد (غزل ۱۸۶)

حریف عهد مودت شکست و من نشکستم خلیل بیخ ارادت برید و من نبریدم (غزل ۳۸۱)
 ز آب دیده من فرش خاک تر میشد ز بانگ ناله من گوش چرخ کر میگشت (غزل ۱۳۳)
 مشتاق توام با همه جوری و جفایی محبوب منی با همه جرمی و خطایی (غزل ۵۰۸)
 ای سرو خرامان، گذری از در رحمت وی ماه درفشان، نظری از سر رأفت (غزل ۱۳۶)
 در ابیات مذکور، کلمات مشخص شده سجع متوازی و باقی کلمات، سجع متوازن یا تکرار کلمه هستند.

۳- ازدواج

یکی از آرایه‌های معنوی، ازدواج است و آن هنگامی است که یک معنی در دو مصرع یک بیت با الفاظ متفاوت، تکرار شود. (شمیسا، ۱۳۸۳ ب: ۱۲۶) معادل این آرایه در بلاغت غربی Epanodos - تکرار یک مطلب با عبارات مختلف - است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸ : ۳۰۵) در یکصد و بیست بیت دارای تکرار نحوی در غزل سعدی، شانزده بیت دارای صنعت ازدواج است. از آنجا که ازدواج با موازنه و مماثله نیز ارتباط نزدیک دارد در غالب این شانزده بیت، موازنه یا مماثله را نیز میتوان دید:

زمانه با تو چه دعوی کند به بد مهری؟ سپهر با تو چه پهلو زند به غداری؟
 (غزل ۵۶۲)

گر خیال یاری اندیشند، باری چون تو یار یا هوای دوستی ورزند، باری چون تو دوست
 (غزل ۸۸)

داروی مشتاق چیست؟ زهر ز دست نگار مرهم عشاق چیست؟ زخم ز بازوی دوست
 (غزل ۱۰۵)

تا کی روم از عشق تو شوریده به هر سوی؟ تا کی دوم از شور تو دیوانه به هر سوی؟
 (غزل ۶۲۸)

هر دم غم فراقش بر دل نهاد باری هر لحظه دست هجرش در دل شکست خاری
 (غزل ۵۶۳)

تا چه مرغم کم حکایت پیش عنقا کرده‌اند یا چه مورم کم سخن نزد سلیمان گفته‌اند
 (غزل ۲۲۳)

همچنانکه دیده میشود، در سه بیت اول، تکرار نحوی و ازدواج همراه با مماثله و در ابیات چهارم و پنجم و ششم همراه با موازنه آمده است. در بیت آخر نیز تکرار نحوی و ازدواج بتنهایی به کار رفته است.

۴- مقابله

مقابله یکی از آرایه‌های معنوی و از انواع تضاد است. در تعریف این آرایه گفته‌اند « آن است که هر یک از واژه‌های مصرع اول با واژه‌های معادل خود در مصرع دوم در تضاد باشد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۷۵) مقابله نیز مانند ازدواج غالباً با موازنه و مماثله همراه می‌شود. در غزل سعدی، هشت مورد تکرار نحوی و مقابله را همراه با یکدیگر می‌توان دید:

بیچاره کسی که از تو ببرد / آسوده تنی که با تو پیوست (غزل ۴۱)
 بی تو گر در جنتم، ناخوش شراب سلسبیل / با تو گر در دوزخم، خرم هوای زمهریر (غزل ۳۰۸)
 گر بی تو بود جنت، بر کنگره نشینم / و با تو بود، دوزخ، در سلسله آویزم (غزل ۴۰۱)
 در نظر دشمنان، نوش نباشد هنی / وز قبل دوستان، نیش نباشد گزند (غزل ۲۱۶)

از آنجا که در مقابله باید تمامی کلمات دو مصرع در تضاد با یکدیگر باشند، غالباً این آرایه بصورتی تکلف‌آمیز بکار می‌رود؛ از اینرو سعدی از مقابله بصورت گسترده استفاده نکرده و همچنانکه دیده می‌شود، در مواردی نیز که تکرار نحوی و مقابله را همراه با یکدیگر آورده، تسلط او بر زبان و معنی، مانع از تکلف‌آمیز شدن بیت گردیده است.

۵- طرد و عکس

طرد و عکس از صنایع ادبی پر کاربرد در غزل سعدی است، با این حال در نمونه‌های تکرار نحوی تنها سه مورد طرد و عکس دیده شد:

بر سرو نباشد رخ چون ماه منیرت / بر ماه نباشد قد چون سرو روانت (غزل ۱۴۷)
 سودای عشق پختن، عqlم نمی‌پسندد / فرمان عقل بردن، عشقم نمی‌گذارد (غزل ۱۶۴)

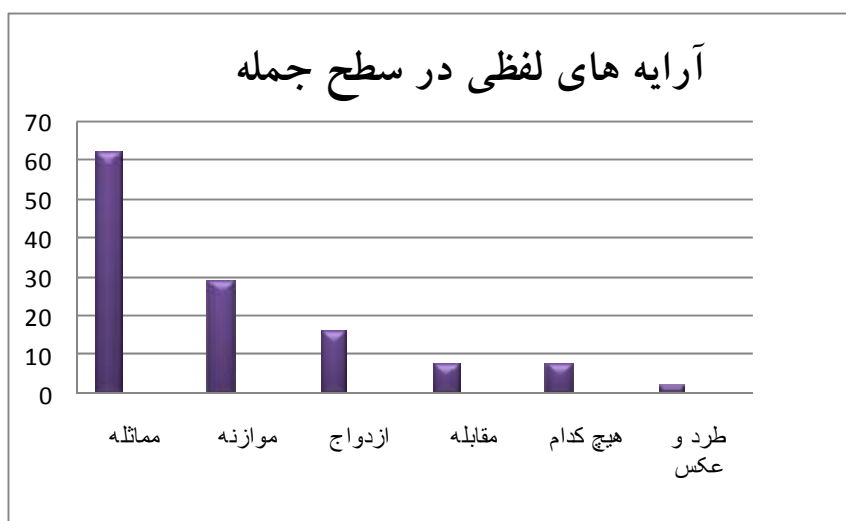


غالب نمونه‌های تکرار نحوی در غزل سعدی همراه با آرایه‌هایی که ذکر شد، آمده است و تنها هشت مورد از این نمونه‌ها در قالب هیچیک از این آرایه‌ها نمی‌گنجد و تکرار نحوی در آنها بصورت مستقل دیده می‌شود:

شهد ریزی چون دهانت دم به شیرینی زند / فتنه انگیزی چو زلفت سر به رعنائی کشد (غزل ۲۰۹)
 عشق و سودا و هوس در سر بماند / صبر و آرام و قرار از دست رفت (غزل ۱۳۸)
 هر که بیفتاد به تیرت نخاست / و آن که درآمد به کمندت نجست (غزل ۳۹)
 باز آی که در دیده بماندست خیالت / بنشین که به خاطر بگرفتست نشانت (غزل ۱۴۷)

ظلم باشد بر چنان صورت نقاب (غزل ۲۷)	حیف باشد بر چنان تن پیرهن
نمی باید دل درمندگان خست (غزل ۴۲)	نشاید خرمن بیچارگان سوخت
و افغان من از غم نگار است (غزل ۶۷)	فریاد من از فراق یار است
تا شود بر سرو رعنایی حرام (غزل ۳۵۵)	تا شود بر گل نکو رویی وبال

۱- نمودار آرایه های لفظی در سطح جمله در تکرارهای نحوی غزلیات سعدی



ب) زبان (تکرارهای لفظی)

از لحاظ زبانی در ابیات دارای تکرار نحوی، آنچه بیش از همه جلب توجه میکند، تکرار انواع کلمه است. در غزل سعدی این تکرار به ترتیب تعداد شامل ضمیر، حرف اضافه، حرف ربط، فعل ناقص ربطی، صفت پیشین، قید، حرف ندا، فعل تام و اسم میشود.

۱- ضمیر

در تکرارهای نحوی سعدی، تکرار ضمیر، خصوصاً ضمائر شخصی منفصل، بسیار دیده میشود. در میان این ضمائر به ترتیب تعداد «تو» و «من» بیش از همه تکرار شده است که با فضای عاشقانه اثر و توصیف زیبایی معشوق و حال عاشق تناسب دارد. موارد معدودی نیز تکرار «ما» و «شما» در این نمونه‌ها به چشم میخورد:

تیغ قهر ار تو زنی، قوت روحم گردد	جام زهر ار تو دهی، قوت روانم باشد (غزل ۱۹۵)
من ره نمی برم مگر آنجا که کوی دوست	من سر نمینهم مگر آنجا که پای یار (غزل ۳۰۰)
درین ره جان بده یا ترک ما گیر	برین در سربنه یا غیر ما جوی (غزل ۶۲۹)

در میان ضمایر شخصی متصل، تنها تکرار «ش»، «ت» و «م» دیده میشود:
 گلبنست آن یا تن نازک نهادش یا حریر؟ آهنست آن یا دل نامهربانش یا حجر؟ (غزل ۲۹۳)
 لایقتر از امیری، در خدمت اسیری خوشتر ز پادشاهی، در حضرتت غلامی (غزل ۶۰۰)
 رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید (غزل ۲۷۷)
 تکرار ضمایر مبهم (کس، همه کس)، مشترک (خود) پرسشی (کی) و اشاره (آن) را نیز بندرت در این ابیات میتوان دید:

خون همه کس ریزی، از کس نبود بیمت جرم همه کس بخشی، از کس نبود باکت (غزل ۱۴۲)
 قسمت خود میخورند منعم و درویش روزی خود میبرند پشه و عنقا (غزل ۱)
 آن پی مهر توگیرد که نگیرد پی خویشش وان سروصل تو دارد که ندارد غم جاننش (غزل ۳۳۲)

۲- حرف اضافه

در تکرارهای نحوی سعدی، تکرار انواع حروف اضافه خصوصاً «از»، «به»، «در»، و با بسامد کمتر «بر»، «چون»، «تا» و «با» جلب توجه میکند:

زنهار ازین امید درازت که در دلست هیهات ازین خیال محالت که در سرست (غزل ۶۳)
 گوش در گفتن شیرین تو واله تاکی؟ چشم در منظر مطبوع تو حیران تا چند؟ (غزل ۲۲۷)
 به هیچ صورتی اندر نباشد این همه معنی بهیچ سورتی اندر نباشد این همه آیت (غزل ۱۵۲)

۳- حرف ربط

تکرار حروف ربط خصوصاً «و» و «که»، و با بسامد کمتر «اگر»، «نه»، «را» و «یا» در تکرارهای نحوی سعدی جایگاه خاصی دارد:

گل است آن یا سمن یا ماه یا روی؟ شبست آن یا شبه یا مشک یا بوی؟ (غزل ۶۲۹)
 عشق و سودا و هوس در سر بماند صبر و آرام و قرار از دست رفت (غزل ۱۳۸)
 نه دست صبر که در آستین عقل برم نه پای عقل که در دامن قرار کشم (غزل ۴۰۴)
 بندهام گر بی گناهی میکشد راضی ام گر بی خطایی میزند (غزل ۲۳۵)

۴- فعل

در تکرارهای نحوی سعدی، تکرار افعال ناقص ربطی «است»، «نباشد/ باشد» و «بود/ نبود» بسیار دیده میشود و در مقابل، بندرت تکرار فعل تام را میتوان دید. این ویژگی با

توجه به فضای عاشقانه غزل سعدی که اساس آن بیشتر بر بیان احساسات و عواطف است تا عمل، طبیعی است:

- فعل ناقص ربطی:

آن چه عیب است که در صورت زیبای تو هست؟ وان چه سحر است که در غمزه فتان تو نیست؟
(غزل ۱۲۷)

مشرب شیرین نبود بی زحام دعوت منعم نبود بی فقیر...
راحت جان باشد از آن قبضه تیغ مرهم دل باشد از آن جعبه تیر (غزل ۳۰۵)
- فعل تام:

قلم بر بیدلان گفתי نخواهم راند و هم راندی جفا بر عاشقان گفתי نخواهم کرد و هم کردی
(غزل ۵۳۶)

۵- صفت

در ابیات مورد بررسی، تکرار صفت پیشین خصوصاً صفت اشاره (این، چنان، چنین) و صفت پرسشی (چه)، و با بسامد کمتر، صفت مبهم (هیچ، همه) و تعجبی (چه) را میتوان دید. این صفات غالباً بیانگر حیرت شاعر در برابر زیبایی و بی‌مانندی یار است. در مقابل هیچ نمونه‌ای از تکرار صفات پسین در این ابیات دیده نشد:

چه طاعت کرده‌ام گویی که این پاداش می‌یابم؟ چه فرمان برده‌ام گویی که این مقدار می‌بینم؟
(غزل ۴۲۵)

حیف باشد بر چنان تن پیرهن ظلم باشد بر چنان صورت نقاب (غزل ۲۷)
بهیچ صورتی اندر نباشد این همه معنی بهیچ صورتی اندر نباشد این همه آیت (غزل ۱۵۲)

۶- قید، حرف ندا، اسم

در تکرارهای نحوی سعدی، تکرار قید (هنوز، مگر، جمله، همه، باری، گهی...) و حرف ندا را با بسامدی کمتر نسبت به موارد ذکر شده می‌توان دید:
- تکرار قید:

گر جمله بخشایی، فضل است بر اصحابت ور جمله بسوزانی، حکم است بر املاکت
(غزل ۱۴۲)

چو بیدلان همه در کار عشق می‌آویخت چو ابلهان همه از راه عقل برمیگشت
(غزل ۱۳۴)

گهی بر درد بیدرمان بگریم گهی بر حال بیسامان بخندم
(غزل ۳۷۵)

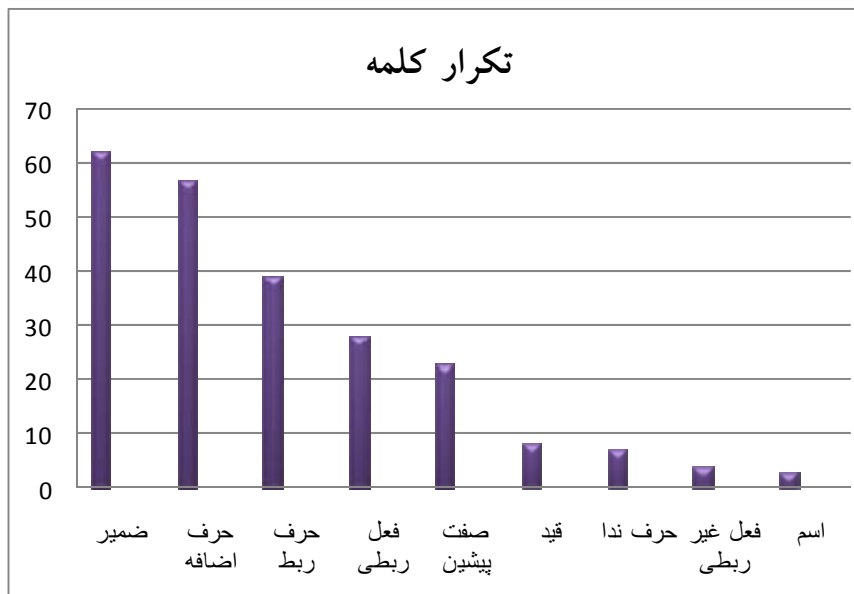
گرچه بخواند، هنوز دست جزع بر دعاست ورچه براند، هنوز روی امید از قفاست (غزل ۴۸)

- تکرار حرف ندا:

ای مهر تو در دلها، وی مهر تو بر لبها وی شور تو در سرها، وی سر تو در جانها (غزل ۲۴)

در ابیات مورد بررسی، از لحاظ تکرار کلمه، جمله و اسم کمترین بسامد را دارد:
یا رب آن آب حیات است بدان شیرینی یارب آن سرو روان است بدان چالاکی
(غزل ۵۹۰)
بربود انده تو صبرم و نیکو بر بود بگرفت انده تو جانم و زیبا بگرفت
(غزل ۱۳۹)

۲- نمودار تکرار کلمه در تکرارهای نحوی غزلیات سعدی



ج) محتوا

سعدی را از دیرباز به حق استاد غزل عاشقانه در ادبیات فارسی لقب داده‌اند. در شعر غنایی، از جمله اشعار عاشقانه، توصیف جایگاه برجسته‌ای دارد، تا بدانجا که شعر غنایی را شعر توصیفی خوانده‌اند در برابر شعر حماسی که روایی است. (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۱۴۳)

اساس غزل سعدی نیز از لحاظ محتوا بر توصیف است؛ توصیف زیبایی و بی‌مهری یار، وصال و فراق و حالات گوناگون عشق و عاشق. این توصیفات عاشقانه را در تکرارهای نحوی سعدی، همراه با تأکید میتوان دید. از اینرو برای بررسی محتوایی این ابیات، میتوان آنها را در سه بخش توصیف معشوق، عاشق و ارتباط میان عاشق و معشوق آورد.

۱- توصیف رابطه عاشق و معشوق

در میان ابیات دارای تکرار نحوی در غزل سعدی، شصت و پنج مورد (بیش از پنجاه درصد) به توصیف رابطه عاشق و معشوق اختصاص دارد. از مضامین پرکاربرد در این ابیات می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

- تسلیم و رضا در برابر یار

مطیع امر توام، گر دلم بخواهی سوخت اسیر حکم توام، گر تنم بخواهی خست (غزل ۴۰)

- ارزشمند بودن جفای یار

دردت بکشم که درد داروست خارت بخورم که خار خرماسست (غزل ۴۵)

راحست جان باشد از آن قبضه تیغ مرهم دل باشد از آن جعبه تیر (غزل ۳۰۵)

- طلب عنایت از یار

ای سرو خرامان، گذری از در رحمت وی ماه درفشان نظری از سر رأفت (غزل ۱۳۶)

- حیران بودن در جمال یار

گوش در گفتن شیرین تو واله تا کی؟ چشم در منظر مطبوع تو حیران تا چند؟ (غزل ۲۲۷)

- پاکبازی

درین ره جان بده یا ترک ما گیر برین در سر بنه یا غیر ما جوی (غزل ۶۲۹)

بذل تو کردم تن و هوش و روان وقف تو کردم دل و چشم و ضمیر (غزل ۳۰۵)

۲- توصیف معشوق

از یکصد و بیست مورد تکرار نحوی در غزل سعدی، بیست و هفت بیت (حدود بیست درصد) صرفاً به توصیف معشوق اختصاص دارد. در این ابیات، صفات یار مانند زیبایی، جذابیت، لطافت، خوش سخنی، فتنه‌گری، بی‌وفایی و بی‌مهری به تصویر کشیده شده است. از مشخصه‌های سبکی غزل سعدی از لحاظ بلاغی، کاربرد فراوان تجاهل العارف و تشبیه تفضیل است. در ابیات یاد شده نیز آنچه بیش از همه جلب توجه میکند، استفاده از این دو صنعت بلاغی در توصیف یار است.

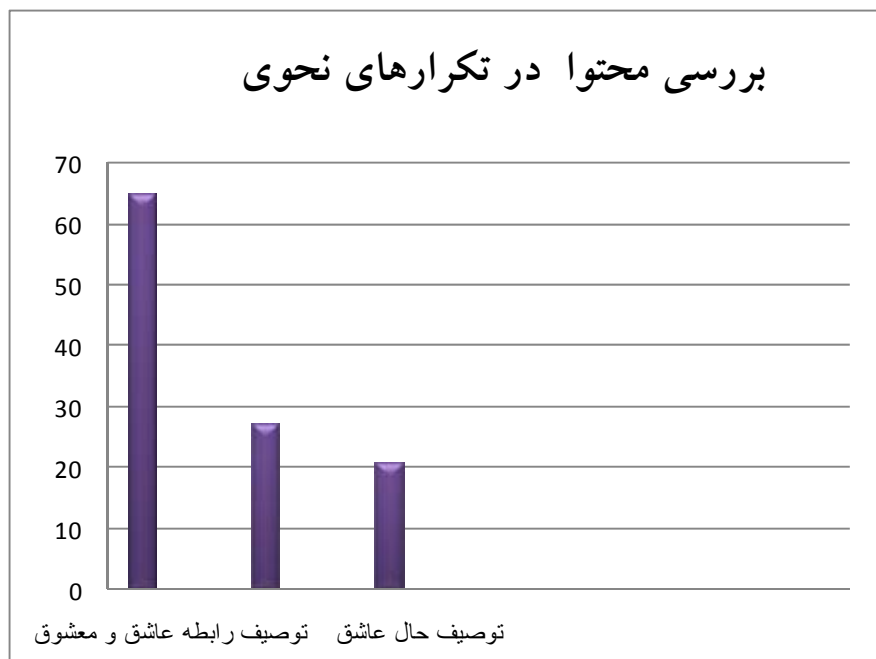
این دلبری و شوخی از سرو و گل نیاید وین شاهی و شنگی در ماه و خور نباشد (غزل ۱۹۸)

- تشبیه تفصیل (برتری یار بر سرو و گل و ماه و خورشید)
سرو زیبا و به زیبایی بالای تو نه شهد شیرین و به شیرینی گفتار تو نیست (غزل ۱۲۵)
- تشبیه تفصیل (برتری یار بر سرو و شهد)
گلبنست آن یا تن نازک نهادش یا حریر؟ آهنست آن یا دل نامهربانش یا حجر؟ (غزل ۲۹۳)
- تجاهل العارف
آن عرق است از بدنت یا گلاب؟ آن نفس است از دهننت یا عبیر؟ (غزل ۳۰۵)
- تجاهل العارف
چه شهر آشوبی ای دل‌بند خود رای چه بزم آرایی ای گلبرگ خودروی (غزل ۶۲۹)
ای صورت دیبای خطایی به نکویی وی قطره باران بهاری به نظافت (غزل ۱۳۶)
ستمگری، شغبی، فتنه‌ای، دل‌آشوبی هنروری، عجبی، طرفه‌ای، جگرخواری (غزل ۵۶۴)
شهریزی چون دهانت دم به شیرینی زند فتنه انگیزی چو زلفت سر به رعنائی کشد (غزل ۲۰۹)

۳- توصیف حال عاشق

- از یکصد و بیست مورد تکرار نحوی در غزل سعدی، بیست و یک بیت (حدود هفده درصد) به توصیف حال عاشق اختصاص دارد. در این ابیات بیش از همه تأکید بر بی‌پروایی و پایداری در عشق دیده می‌شود. هم‌چنین آرزومندی، اشتیاق عاشق، دور بودن از هوا و هوس و تقابل عشق با عقل و صبر از دیگر مضامین پرکاربرد در این ابیات است:
- پایداری در عشق
گر سیل عقاب آید، شوریده نیندیشد ورتیر بلا بارد، دیوانه نپرهیزد (غزل ۱۸۷)
تا قدم باشدم اندر قدمش افتم و خیزم تا نفس ماندم اندر عقبش پرسم و پویم (غزل ۴۴۰)
- تقابل عشق با عقل و صبر
نه دست صبر که در آستین عقل برم نه پای عقل که در دامن قرار کشم (غزل ۴۰۴)
- دوری از هوا و هوس
نظر خدای بینان طلب هوا نباشد سفر نیازمندان قدم خطا نباشد (غزل ۱۹۷)
- آرزومندی
زنهار ازین امید درازت که در دلست هیهات ازین خیال محالت که در سرست (غزل ۶۳)

۳- نمودار بررسی محتوا در تکرارهای نحوی غزلیات سعدی



نتیجه :

تکرار نحوی آرایه‌ای پرکاربرد در ادبیات فارسی خصوصاً در آثار سعدی است. این آرایه که تنها در یکی از کتب بلاغت از آن نام برده شده، بدلیل ارتباط نزدیکش با موازنه، بصورت مستقل مورد توجه اهل بلاغت و سعدی‌پژوهان قرار نگرفته است.

در بررسی سبک‌شناسانه غزل سعدی، تکرار الگوی نحوی- به صورت کامل یا با مختصر تفاوتی- جایگاهی برجسته دارد تا بدان جا که یک مشخصه سبکی به شمار می‌آید. این ابیات را از لحاظ سبک‌شناسی در سه سطح بلاغت، زبان و محتوا میتوان بررسی کرد. از لحاظ بلاغی، نمونه‌های کامل تکرار نحوی در غزل سعدی به ترتیب بسامد در قالب مماثله، موازنه، ازدواج، مقابله و طرد و عکس دیده میشود. شمار اندکی از این ابیات نیز در قالب هیچ یک از این آرایه‌ها نمی‌گنجد. در نمونه‌های مماثله به دلیل محدودیت کمتر آن نسبت به موازنه، استفاده از صور خیال و آرایه‌های دیگر بیشتر دیده میشود. در مقابل در نمونه‌های موازنه، تکرار کلمه را بیشتر میتوان دید.

از لحاظ سبک‌شناسی زبان، برجسته‌ترین ویژگی نمونه‌های تکرار نحوی، تکرار کلمه است. در غزل سعدی بترتیب بسامد، تکرار انواع ضمیر (خصوصاً شخصی)، حرف اضافه، حرف ربط، فعل ربطی، صفت پیشین، قید، حرف ندا، فعل غیر ربطی و اسم را در نمونه‌های

تکرار نحوی میتوان دید. در این میان، ضمائر شخصی اول و دوم شخص مفرد بیشترین بسامد را دارد که با توجه به فضای عاشقانه غزل سعدی و پرداختن به توصیف معشوق و بیان حال عاشق، طبیعی است.

همچنین بسامد بالای تکرار فعل ناقص ربطی در برابر بسامد اندک فعل تام با محتوای شعر که اساس آن بر بیان احساسات و عواطف است نه عمل، سازگار است. تکرار صفات پیشین، خصوصاً صفات اشاره، تعجبی و پرسشی برای تأکید بر زیبایی یار و حیرانی شاعر در برابر این زیبایی است؛ از این رو پرسشهای تکرار شده در این نمونه ها غالباً مفید تحسین و تعظیم است.

در بررسی سبک غزل سعدی از لحاظ محتوا، ابیات دارای تکرار نحوی را می توان در سه بخش توصیف معشوق، عاشق و رابطه عاشق و معشوق بررسی کرد. در توصیف معشوق غالباً به زیبایی، لطافت، بی مهری و فتنه گری یار اشاره شده است. در این ابیات آن چه از لحاظ سبک شناسی، مشخصه غزل سعدی به شمار میرود و آن را از نمونه های دیگر شعر عاشقانه در ادب فارسی متمایز میکند و با تکرار نحوی ارتباط دارد کاربرد قابل توجه تجاهل العارف و تشبیه تفضیل **در قالب تکرار نحوی** است. همراهی این سه آرایه با یکدیگر به منظور تأکید بر زیبایی و بی مانندی یار و بیان حیرت شاعر در برابر این زیبایی است. از سوی دیگر در توصیف عاشق، سعدی از تکرار نحوی بعنوان شگردی مناسب برای تأکید بر پایداری عاشق در شرایط گوناگون و در برابر دشواریهای راه عشق استفاده کرده است.

در بیان رابطه عاشق و معشوق، آنچه در غزل سعدی به شکلی خاص جلب توجه میکند و یک مشخصه سبکی از لحاظ محتوا به شمار می آید، استفاده از تکرار نحوی برای بیان یکسانی لطف و قهر یار و لزوم تسلیم و رضا در برابر حکم و اراده اوست. در حقیقت سعدی در غزل بعنوان شگردی مناسب و هنرمندانه برای بیان مساوی و یکسانی شمردن دو امر متفاوت بسیار استفاده کرده است.

از سوی دیگر بین شدت احساس و عاطفه در شعر و موسیقی قوی آن، ارتباط مستقیم است. این ارتباط غالباً بصورت استفاده از انواع تکرار در شعر دیده میشود. در غزل سعدی کاربرد بسیار تکرار الگوی کامل یا ناقص نحوی، شور و احساس سرشار شاعر را به تصویر میکشد. در حالی که کاربرد تکرار نحوی در سبک خراسانی و در شعر شاعرانی چون مسعود سعد، کمتر برای بیان احساس قوی شاعر است.

فهرست منابع:

۱. حمیدیان، سعید (۱۳۸۳)، سعدی در غزل، قطره.
۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱)، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب (بحث در فنون شاعری، سبک و نقد شعر فارسی)، علمی.
۳. (۱۳۷۸)، با کاروان حله، علمی.
۴. (۱۳۷۹)، حدیث خوش سعدی، سخن.
۵. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹)، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، امیر کبیر.
۶. (۱۳۷۲)، دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر، مهتاب.
۷. شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، آگاه.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، سبک‌شناسی شعر، فردوس.
۹. (۱۳۸۳ الف)، انواع ادبی، فردوس.
۱۰. (۱۳۸۳ ب)، نگاهی تازه به بدیع، فردوس.
۱۱. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۱)، زیباشناسی سخن پارسی (بدیع)، کتاب‌ماد.
۱۲. موحد، ضیاء (۱۳۷۸)، سعدی، طرح‌نو.
۱۳. مولانا، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۲)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، نشر علم و انتشارات نگاه.
۱۴. نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۸۶)، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح از مجتبی مینوی، امیر کبیر.
۱۵. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، نشر دوستان.
۱۶. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱)، چشمه روشن (دیداری با شاعران)، علمی.